Journal of
Early Childhood Health and Education

Summer 2024, Volume 5, Issue 2 (16), 107-120

Explaining the Role of Sexual Satisfaction, Intimacy, Commitment and Marital Compatibility in Marital Stability (Case Study: Couples with child)

Afrouz Hosseinpour davani[1], Majid Barzegar [1*], Hossein Baghouli[1] & Maryam Zarnaghash[1]

1. *Department of Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.*

ARTICLE INFORMATION

Article type
Original research
Pages: 107-120

Corresponding Author's Info
Email: Mbarzegar55@gmail.com

Article history:
Received: 2024/02/19
Revised: 2024/03/18
Accepted: 2024/05/06
Published online: 2024/06/19

Keywords:
Commitment, Family, Sexual satisfaction, Marital compatibility, Intimacy, Marital stability.

ABSTRACT

Background and Aim: The purpose of the present study was to explain the role of sexual satisfaction, intimacy, commitment and marital compatibility in marital stability with emphasis on couples with children. **Methods:** In terms of the purpose of the present research, and in terms of the method, it is one of the descriptive researches of correlation with the application of structural equation modeling. The statistical population of the research was the couples of Shiraz city in the first half of 2023, from which 250 couples (500 people in total) were selected as samples. The research tools were Adams and Jones Marital Commitment Questionnaire (1997), Marital Intimacy Scale (1983), Spanier Marital Compatibility Questionnaire (1976) and Sexual Satisfaction Subscale from Enrich Marital Satisfaction Questionnaire (1989). Data analysis was performed using spss-27 and Amos-26 software, respectively, by applying Pearson's correlation coefficient, multivariate regression and maximum likelihood, taking into account the maximum error level of 5% ($P<0.05$). **Results:** The findings of the research showed that marital compatibility (0.39) covered marital satisfaction (0.77), two-person solidarity (0.59), two-person agreement (0.80) and expression of affection (0.76); Marital intimacy (0.22), sexual satisfaction (0.16) and marital commitment (0.23) covering commitment to spouse (0.64), commitment to marriage (0.79) and feeling of commitment (0.78) affect marital stability ($P<0.05$). According to the findings, the fit indices showed favorable values, which indicated the approval of the developed model. **Conclusion:** Based on the findings; Sexual satisfaction, intimacy, commitment, and marital compatibility have a significant effect on marital stability, which, as a result, overshadows the desired functioning of the family, followed by parenting and raising the next generation; Therefore, it is suggested to the experts in the field of psychology and family and marriage counseling, as well as the supervisors and officials of this field, to take into account the effectiveness of their plans at the micro level of the family and at the macro level of the society and adjust the treatment solutions according to these two areas.

This work is published under CC BY-NC 4.0 licence. © 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Barzegar , M., & et al. (2024). Explaining the Role of Sexual Satisfaction, Intimacy, Commitment and Marital Compatibility in Marital Stability (Case Study: Couples with child). *JECHE*, 5(2, 16): 107-120.

فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی

تابستان ۱۴۰۳، دوره ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، صفحه‌های ۱۰۷-۱۲۰

تبیین نقش رضایت جنسی، صمیمیت، تعهد و سازگاری زناشویی در ثبات زناشویی (مورد مطالعه: زوجین دارای فرزند)

افروز حسین پور دوانی [۱]، مجید برزگر [۱*]، حسین بقولی [۱] و مریم زرنقاش [۱]

۱. گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

صفحات: ۱۲۰-۱۰۷

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل:

Mbarzegar55@gmail.com

سابقه مقاله

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۲/۱۱/۳۰

تاریخ اصلاح مقاله:

۱۴۰۲/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی:

۱۴۰۳/۰۳/۰۶

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۳/۳۰

واژگان کلیدی

تعهد، خانواده، رضایت جنسی، سازگاری زناشویی، صمیمیت، ثبات زناشویی.

چکیده

زمینه و هدف: هدف پژوهش حاضر تبیین نقش رضایت جنسی، صمیمیت، تعهد و سازگاری زناشویی در ثبات زناشویی با تاکید بر زوجین دارای فرزند بود. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جز پژوهش‌های توصیفی همبستگی با کاربست مدلسازی معادلات ساختاری بوده است. جامعه آماری پژوهش زوجین شهر شیراز در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بود که از بین آنان ۲۵۰ زوج (جمعا ۵۰۰ نفر) به عنوان نمونه انتخاب شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، مقیاس صمیمیت زناشویی (۱۹۸۳)، پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۶) و خرده‌مقیاس رضایت جنسی از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹) بوده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss-27 و Amos-26 به ترتیب با اعمال ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و حداکثر درست‌نمایی با لحاظ کردن سطح خطای حداکثر ۵ درصد($p<۰/۰۵$) انجام شد. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد سازگاری زناشویی (۰/۳۹) با پوشش رضایت زناشویی (۰/۷۷)، همبستگی دو نفری (۰/۵۹)، توافق دو نفری (۰/۸۰) و ابراز محبت (۰/۷۶)؛ صمیمیت زناشویی (۰/۲۲)، رضایت جنسی (۰/۱۶) و تعهد زناشویی (۰/۲۳) با پوشش تعهد به همسر (۰/۶۴)، تعهد به ازدواج (۰/۷۹) و احساس تعهد (۰/۷۸) بر ثبات زناشویی اثرگذارند($p<۰/۰۵$). منطبق با یافته‌ها، شاخص‌های برازندگی مقادیر مطلوبی را نشان داده‌اند که دال بر تایید برازش الگوی تدوین شده، بود. **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌ها؛ رضایت جنسی، صمیمیت، تعهد و سازگاری زناشویی اثر معناداری بر ثبات زناشویی داشته که در نتیجه آن کارکرد مطلوب خانواده و به دنبال آن فرزندپروری و تربیت نسل آینده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ از این‌رو به متخصصان حوزه روانشناسی و مشاوره خانواده و ازدواج و نیز دست‌اندرکان و مسئولین این حوزه پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های اثربخشی خود در سطح خرد خانواده و در سطح کلان جامعه را مدنظر قرار داده و راهکارهای درمانی را منطبق با این دو حیطه تنظیم نماید.

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.

شیوه استناد به این مقاله: برزگر، مجید و همکاران (۱۴۰۳). تبیین نقش رضایت جنسی، صمیمیت، تعهد و سازگاری زناشویی در ثبات زناشویی (مورد مطالعه: زوجین دارای فرزند) . *فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی*، ۵(۲): ۱۲۰-۱۰۷.

مقدمه

خانواده یکی از ارکان اصلی جامعه محسوب می‌شود و دستیابی به جامعه‌ای سالم تا حد بسیار زیادی در گرو خانواده‌های سالم است (ولی پور پاشاکلائی و محمودجانلو، ۲۰۲۱). خانواده طبیعی‌ترین، قانونی‌ترین، باارزش‌ترین و موثرترین نهاد اجتماعی است، چرا که همه افراد جامعه را در برمی‌گیرد. در واقع از آنجا که انسان از بستر خانواده، پا به عرصه اجتماع خواهد گذاشت، لذا سلامت و یا نابهنجاری اجتماع به‌صورت مستقیم به خانواده وابسته است. بنابراین این نهاد مهم اجتماعی علاوه بر حمایت اجتماعی که از افراد به عمل می‌آورد، مهد اخلاق، عواطف و علایق انسانی نیز محسوب می‌شود (سالاری و همکاران، ۲۰۲۰). در این میان ازدواج که پدیده‌ای فرهنگی، زیستی و اجتماعی است و لازمه تشکیل خانواده است، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (حجازی و قضایی، ۲۰۲۱). از منظر فروید[1] نیز ازدواج فرایندی است که بواسطه عوامل ناخودآگاه اتفاق می‌افتد. عشق زمانی پدید می‌آید که طرف مقابل با تصویر ایماگوی ما همخوانی داشته باشد. ایماگو تصویری است ناخودآگاه از جنس مخالف که مرکب از کسانی است که در کودکی بیش از دیگران بر ما تأثیر گذاشته‌اند. فرافکنی این تصویر منجر به تولید احساس عشق رمانتیک می‌شود. مکانیزمی که در اینجا به کار می‌افتد به تعبیر فروید، وسواس تکرار است که به بازآفرینی شرایط ناکام کننده دوران کودکی برای اصلاح آن می‌کوشند. این تلاشی است برای یافتن خویشتن گمشده‌ای که در خود سرکوب گردیده است؛ جذابیت، قابلیت فرد مقابل در ارضای نیازهای روانی ناخودآگاه است. ما کسانی را برای ازدواج برمی‌گزینیم که شبیه تصویر ما از والدین‌مان باشند و از سویی جبران‌کننده نیازهای پاسخ داده نشده و سرکوب شده دوران کودکی‌مان باشند (هندریکس و هانت[2]، ترجمه شهرابی، ۲۰۱۸). فروید معتقد بود که ذهن خودآگاه و رفتار هر فرد تحت تأثیر افکار ناخودآگاه او قرار دارند. از نظر او رویدادهای دوران کودکی، در دوره‌های بعدی زندگی خود را نشان می‌دهند (هیوز[3]، ۲۰۲۰).

ازدواج در جوامع مختلف رویدادی مهم در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت افراد جامعه نقش مهمی ایفا کند (پوراحمد فشالمی و رسول‌زاده، ۲۰۲۱). در واقع مهم‌ترین اهداف ازدواج دستیابی به آرامش، ارضای نیازهای جنسی و به دنبال آن ادامه نسل، تکامل و امنیت اجتماعی است که روانشناسان محل ارضای این نیازها را خانواده می‌دانند (سیاهی و همکاران، ۲۰۲۱). بر این اساس پیوند زناشویی موفق می‌تواند بسیاری از نیازهای روانشناختی و جسمی افراد را برطرف کند. طبق پژوهش‌های صورت گرفته، افراد متاهل نسبت به افراد مجرد از زندگی شادتر و سالم‌تری برخوردار هستند، از این رو می‌توان گفت ازدواج شرایطی را برای زوجین فراهم خواهد ساخت که از نظر جسمی و روانی در وضعیت مطلوبی قرار گیرند (راستگار رحیم‌زاده و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین یک ازدواج مناسب می‌تواند دستیابی به هویت را برای افراد آسان‌تر کند و موجب رشد و شکوفایی، بروز توانایی‌ها و تامین نیازهای مختلف انسان گردد و به دنبال آن آرامش روانی بسیار زیادی ایجاد کند (رزاقی و همکاران، ۲۰۲۰). از این رو باتوجه به اینکه ازدواج مسئله بسیار مهمی محسوب می‌شود و تنها جنبه فردی نداشته و جامعه را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد (زارع علی آبادی و نامنی، ۲۰۲۰)؛ اما علی‌رغم خوشایند بودن آن، همه ازدواج‌ها موفقیت‌آمیز نخواهند بود و گاهی اوقات خانواده، قادر نخواهد بود به حیات خود ادامه دهد (آذرمکان و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نزدیک به ۵۰ درصد ازدواج‌های نخست و ۶۰ درصد ازدواج‌های دوم به متارکه می‌انجامند. همچنین آمارهای رسمی سازمان ثبت و احوال در ایران نیز نشان می‌دهند که در سال ۱۳۹۶ از کل ازدواج‌ها، ۲۹ درصد متارکه ثبت شده است (غلام‌زاده و یوسفی، ۲۰۲۰). همچنین بنا بر آمار این سازمان، در سال ۱۳۹۶، تعداد ۱۷۴۵۷۸ طلاق قطعی ثبت شده و در سال ۱۳۹۷، از هر ۳/۵ ازدواج یک ازدواج به طلاق ختم شده است. در این میان آنچه بیش از همه موجب نگرانی خواهد بود این واقعیت است که آمارهای ثبت شده برای طلاق‌های رسمی، به درستی نشان‌دهنده

1 Freud
2 Hendrix, H. & Hunt, H.
3 Hughes, D. D.

میزان ناکامی زوجین در امر ازدواج نمی‌باشد و در کنار این آمارها، آمارهای پنهان مربوط به طلاق‌های عاطفی نیز وجود دارد که در آن‌ها زن و مرد در کنار یکدیگر به زندگی خود ادامه می‌دهند اما هیچ‌گونه مهر و محبتی میان آنان وجود ندارد (زحمتکش ارده و همکاران، ۲۰۲۰). طلاق می‌تواند پیامدهای منفی زیادی برای زن و مرد و به دنبال آن فرزندان و جامعه در پی داشته باشد و منجر به تاثیرات گسترده‌ای در روند رشد جمعیت و تغییر ساختار خانواده گردد (رخشا و الهی، ۲۰۱۹). لذا از آنجا که سلامت و استحکام خانواده می‌تواند بر کل جامعه تاثیرگذار باشد، بروز هرگونه آسیب به این نهاد مهم اجتماعی و مختل شدن کارکردهای مهم آن، می‌تواند موجب مختل شدن نظم و انسجام اجتماعی گردد. بر این اساس می‌توان گفت هنگامی که بنیان خانواده متزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه نیز متزلزل خواهد شد و مشکلات بسیار زیادی برای افراد ایجاد خواهد کرد که جبران عواقب و پیامدهای آن به آسانی ممکن نخواهد بود (مسکین نیا و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین با توجه به افزایش روزافزون میزان طلاق در جامعه و بروز پیامدهای منفی ناشی از آن بر ساختار خانواده‌ها، بررسی عواملی که می‌توانند به ثبات زناشویی زوجین کمک کنند، اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت. ثبات زناشویی[1] نشان‌دهنده حالت‌های شناختی و عاطفی پیش از پایان دادن یک رابطه است و شاخص مهمی برای سلامتی افراد محسوب می‌شود. زوج‌های دارای ثبات زناشویی، از آرامش نسبی در زندگی مشترک خود برخوردار هستند و از زندگی خود لذت می‌برد. این زوج‌ها یکدیگر را در زمینه‌های مختلف درک می‌کنند و نسبت به هم عشق و محبت دارند. عوامل بسیار زیادی نظیر استرس مالی، درآمد کم، میزان تحصیلات پایین، بیکاری، سن پایین در ازدواج، طلاق والدین، عدم همبستگی با همسر، مذهبی بودن همسر و همزیستی زناشویی پیش از ازدواج، می‌توانند منجر به کاهش ثبات زناشویی گردند (فرج‌پور و همکاران، ۲۰۱۹). ثبات و پایداری در ازدواج به معنای عدم وجود مشکل و چالش در زندگی زناشویی نیست، بلکه وجود شور و اشتیاق، صمیمیت و تعهد می‌تواند یک ازدواج را پایدار و سالم نگه دارد و تا هنگام مرگ یکی از زوجین این ثبات را حفظ کند. مطالعات و تجارب بالینی بیانگر آن هستند که در حال حاضر، زوج‌ها در برقراری روابط صمیمانه با یکدیگر دچار نقص هستند. برخورداری از صمیمیت بین زوج‌های متاهل، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده ثبات زناشویی است و پرهیز از رابطه صمیمانه منجر به شکست در ازدواج خواهد شد. از این رو می‌توان گفت که ثبات زناشویی دارای سه جز اساسی شور و اشتیاق، صمیمیت و تعهد است (میرزائی و براتی، ۲۰۱۹). در واقع، توانایی برای صمیمیت یک پدیده رشدی است و خودافشایی و صمیمیت در بزرگسالی نتایج کیفی دوران کودکی هستند. هیچ‌چیز در کودکی به‌طور مستقیم این توانایی‌ها را ایجاد نمی‌کند. اما رویکرد رشدی بین کودکی یا تجارب اولیه با همسالان و محبت بزرگسالی ارتباط برقرار می‌کند (جانسون[2]، ۲۰۱۸).

در این راستا، روابط زناشویی پایدار و رضایت‌بخش می‌تواند به سلامت جسمی، روانی و رشد کارآمد اعضای خانواده کمک بسیار زیادی بکند و از طرفی محیط مناسبی برای رشد و پرورش کودکان فراهم آورد، بنابراین شناسایی و مداخله در ایجاد عواملی که می‌توانند موجب پایداری ساختارهای ازدواج، خشنودی زوجین در زندگی مشترک و احساس خوشبختی در ازدواج گردند، به کاهش نارضایتی زوجین و به دنبال آن کاهش جدایی و طلاق کمک خواهد کرد و موجب ارتقا ثبات زناشویی خواهد شد (سلیمی و همکاران، ۲۰۱۹). با این حال، محققان عوامل گسترده‌ای را در رابطه با ثبات زناشویی از جمله نگرش نسبت به روابط زناشویی (تیموثی- اسپرینگر و جانسون[3]، ۲۰۱۶)، دین (مولینز[4]، ۲۰۱۶)، نقش کودکان (کوهن[5] و همکاران، ۲۰۱۰)، عشق، تعهد و صمیمیت (فیلیپ[6] و همکاران، ۲۰۱۲)، ارتباطات و حل تعارض (کورایی و همکاران، ۲۰۱۷)، پشتیبانی (لندیس[7] و همکاران، ۲۰۱۳) و تقسیم

1 marital stability
2 Johnson, S. M.
3 Timothy-Springer, R., & Johnson, E.J.
4 Mullins, D.
5 Cohen, O., Geron, Y., & Farchi, A.
6 Phillips, T.M., Wilmoth, J.D., & Marks, L.D.
7 Landis, M., Peter-Wight, M., Martin, M., & Bodenmann, G.

نقش بررسی کرده‌اند. علاوه بر موارد ذکر شده دستاورد پژوهش‌هایی همچون فردوست و محمدی (۲۰۲۰) که با هدف مشخص کردن رابطه صمیمیت زناشویی با ثبات ازدواج با میانجی‌گری تنظیم هیجانی در زنان کارمند انجام شد نشان‌داد که ضرایب مسیر صمیمیت عاطفی ارتباطی با ثبات ازدواج ، صمیمیت روانشناختی عقلانی با ثبات ازدواج، صمیمیت جنسی بدنی با ثبات ازدواج، صمیمیت کلی با ثبات ازدواج، تنظیم هیجانی ارزیابی مجدد با ثبات ازدواج به لحاظ آماری معنی‌دار بوده است. دستاورد پژوهش جولایی‌زادگان و جلوانی (۲۰۲۰) نیز حاکی از آن بود که آسیب‌های برآمده از فضای مجازی، پیش‌بینی‌کننده بی‌ثباتی ازدواج می‌باشد. نتایج نهایی رگرسیون نشان‌داد که مولفه‌های کاهش صمیمیت و تغییر سبک زندگی می‌توانند واریانس بی‌ثباتی ازدواج را به صورت معناداری پیش‌بینی کنند؛ به گونه‌ای که کاهش صمیمیت سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر ب‌ثباتی ازدواج داشت. رضایی فر و همکاران (۲۰۱۹) نیز در پژوهشی به تدوین مدل ثبات رابطهٔ زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با میانجی‌گری سبک‌های حل مسأله پرداختند. یافته‌ها نشان‌داد که ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با میانجی‌گری سبک‌های حل مسأله بر ثبات رابطهٔ زناشویی اثری غیرمستقیم دارد. سلیمی و همکاران (۲۰۱۹) نیز مطالعه مروری را با عنوان سلامت رابطه زناشویی در پرتو عوامل تاثیرگذار بر ثبات و رضایت از رابطه انجام دادند. طی این بررسی مشخص شد که مجموعه‌ای از عوامل که شامل درون‌فردی (ویژگی‌های شخصیتی، سلامت جسمی و روانی، ویژگی‌های شناختی مثبت و ویژگی‌ها و اشتراکات معنوی-مذهبی)، بین‌فردی (مهارت‌های ارتباطی و رابطه سازنده، عشق و عاطفه و همچنین ارتباط و رابطه جنسی) و محیطی (حمایت اجتماعی، اشتغال و وضعیت اقتصادی مناسب) در ثبات و رضایت رابطه زناشویی نقش دارند. عباسی اصل و نظری (۲۰۱۶) نیز پژوهشی را با هدف بررسی رابطه رضایت جنسی، صمیمیت زناشویی و سبک‌های دلبستگی با بی‌ثباتی ازدواج زنان متاهل بررسی کردند. نتایج نشان‌داد که رضایت جنسی، صمیمیت زناشویی و سبک‌های دلبستگی اضطرابی و دوسوگرا با بی‌ثباتی ازدواج به صورت معنی‌داری رابطه دارند. همچنین متغیرهای صمیمیت زناشویی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی اضطرابی و دوسوگرا در مجموع، بی ثباتی ازدواج را ۲۱ درصد پیش‌بینی کردند. تاجی و همکاران (۲۰۱۵) نیز پژوهشی را با هدف پیش‌بینی عدم ثبات زناشویی احتمال طلاق براساس سازگاری و توافق زناشویی متاهلین دانشگاه شهرکرد بررسی کردند. نتایج نشان‌داد بین سازگاری زناشویی و توافق با عدم ثبات همبستگی وجود دارد. به عبارت دیگر ۱۰ درصد عدم ثبات براساس سازگاری و توافق قابل تبیین است. با توجه به ضرایب رگرسیون سازگاری زناشویی عدم ثبات را پیش‌بینی می‌کند. دستاورد پژوهش رضایی و همکاران (۲۰۱۳) نیز بیانگر ارتباط منفی و معنادار اعتماد و بی‌ثباتی ازدواج در مردان و زنان بود، همچنین رابطه بین صمیمیت با بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان نیز رابطه‌ای منفی و معنادار بود. در خارج از کشور نیز ایندامثی و کانث[1] (۲۰۲۱) در پژوهش خود نقش الگوهای ارتباط خانواده و سازگاری زناشویی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های آن نشان داد رابطه معناداری بین الگوهای ارتباطی خانواده و سازگاری زناشویی زوجین وجود دارد.کالمینج[2] (۲۰۲۰) نیز در مطالعات خود به بررسی رابطه بین احساس گناه و طلاق عاطفی پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد رابطه معناداری بین احساس گناه و طلاق عاطفی زوجین دارای فرزند وجود دارد. با توجه به مطالب ذکر شده، در این نوشتار تلاش شد تا الگوی ثبات زناشویی در بین زوجین دارای فرزند براساس رضایت جنسی، صمیمیت، تعهد و سازگاری زناشویی مورد آزمون واقع شود و به این سوال پاسخ داد که سازگاری و تعهد زناشویی در رابطه بین رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با ثبات زناشویی به چه میزان توانسته‌اند نقش میانجی داشته باشند؟

روش پژوهش

طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جز پژوهش‌های توصیفی همبستگی با کاربست مدلسازی معادلات ساختاری بوده است. جامعه آماری پژوهش زوجین شهر شیراز در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بود که حداقل ۵

1 Indumathy & Kanth
2 Kalmijn

سال از ازدواج آن‌ها گذشته و دارای فرزند بوده باشند. با توجه به گسترده بودن جامعه، نمونه‌گیری به شیوه تصادفی ساده انجام و حجم نمونه براساس مسیرهای موجود در مدل مفهومی و در نظر گرفتن کاهش احتمالی نمونه، ۲۵۰ زوج (جمعا ۵۰۰ نفر) تخمین زده شد.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز[1] (۱۹۹۷). پرسشنامه تعهد زناشویی (DCI) شامل ۴۴ سوال که توسط آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ طراحی شده است و سه خرده‌آزمون تحت عنوان تعهد به همسر (سوال ۱ تا ۱۰)، تعهد به ازدواج (سوال ۱۱ تا ۲۲) و احساس تعهد (تعهد اجباری) (سوال ۲۳ تا ۴۴) دارد. نمره‌گذاری این ابزار براساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای (۱: کاملاً مخالفم ال ۵ کاملاً موافقم) انجام می‌گیرد. بنابراین دامنه نمرات از ۱ تا ۱۷۲ است. لازم به ذکر است که سوالات شماره ۲، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰ و ۲۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. روایی و اعتبار این ابزار توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) بررسی و تایید شد. در ایران نیز شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۸۷) روایی این پرسشنامه را تایید کرده‌اند. آن‌ها پایایی این پرسشنامه را براساس آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار در پژوهش حاضر به میزان ۰/۷۹۴ بدست آمد.

۲. مقیاس صمیمیت زناشویی[2] (۱۹۸۳). این مقیاس که به وسیله تامپسون و والکر[3] در سال ۱۹۸۳ ساخته شده است دارای ۱۷ گویه می‌باشد و برای سنجیدن میزان صمیمیت زوج‌ها تنظیم شده است. دامنه پاسخ‌ها از هرگز(۱) تا همیشه (۷) در مقیاس لیکرت می‌باشد. نمرات بالاتر نشان‌دهنده صمیمیت بیشتر است. روایی و و اعتبار این ابزار توسط تامپسون و والکر (۱۹۸۳) بررسی و مورد تایید قرار گرفت. در ایران نیز این ابزار توسط ثنایی و همکاران (۱۳۸۸) ترجمه و روایی و اعتبار آن بررسی شد. این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۹۱تا ۰/۹۷ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار در پژوهش حاضر به میزان ۰/۷۱۵ بدست آمد.

۳. پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر[4] (۱۹۷۶). پرسشنامه سازگاری زناشویی گراهام بی اسپانیر (DAS) توسط اسپانیر در سال ۱۹۷۶ منظور سنجش سازگاری بین زن و شوهرها و یا هر دو نفری که باهم زندگی می‌کنند تنظیم شده است. این ابزار ۳۲ سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن یا شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می‌کنند. نمره‌گذاری براساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای انجام می‌شود و نمرات بالاتر نشان دهنده ی رابطه بهتر و سازگارتر است. سازنده این ابزار، روایی را با تحلیل عاملی بررسی نمود و دستاورد آن حاکی از چهار بعد رضایت زناشویی، همبستگی زناشویی، توافق زناشویی و ابراز محبت بود. اعتبار را نیز با آلفای کرونباخ بررسی کرد که برابر با ۰/۹۶ بوده که نشان از همسانی درونی خوبی است. همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها نیز بین خوب تا عالی برآورد شد. رضایت دونفری۹۴٪ ، همبستگی دو نفری ۸۱٪ ، توافق دو نفری ۹۰٪ و ابراز محبت ۷۳٪. در ایران نیز روایی و اعتبار ابزار توسط ثنایی (۱۳۷۹) بررسی و تایید شد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار در پژوهش حاضر به میزان ۰/۷۲۲ بدست آمد.

٤. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ[5] (۱۹۸۹). این پرسشنامه توسط اولسون و همکاران در سال ۱۹۸۹ تدوین و به عنوان یک ابزار تحقیقی مهم و معتبر در بررسی‌های متعددی جهت اندازه‌گیری رضایت زناشویی، مورد استفاده قرار گرفته است. پاسخ به سوالات به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملا موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف و کاملا مخالف) می‌باشد. در این پرسشنامه به هر گزینه از ۱ تا ۵ امتیاز داده می‌شود و در نهایت پس از پاسخگویی، نمرات با هم جمع می‌شوند. روایی و اعتبار این ابزار در خارج از

1. Adams and Jones Marital Commitment Questionnaire
2. Marital Intimacy Scale
3. Walker
4. Spanier Marital Compatibility Questionnaire
5. Enrich Marital Satisfaction Questionnaire

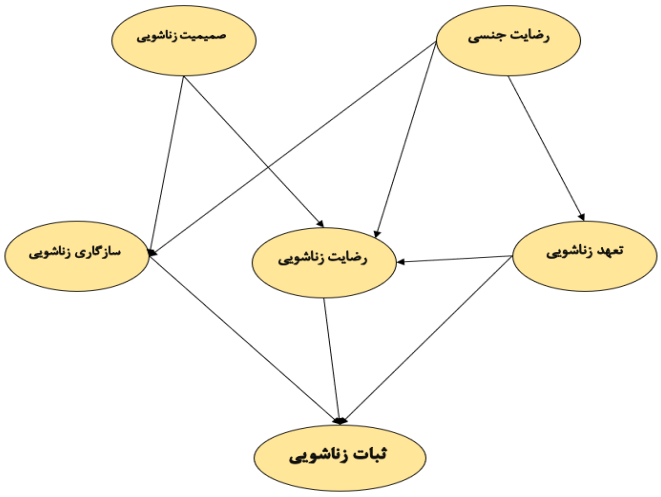
کشور توسط اولسون و همکاران (۱۹۸۹) بررسی و مورد تایید واقع شد. در ایران نیز توسط پژوهشگران روایی سازه و پایایی با برآورد ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی و تایید واقع شده است (عرب علیدوستی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۲۰ حاصل شد.

۵. پرسشنامه ثبات زناشویی گاتمن[1] (۱۹۹۹). این ابزار به منظور اندازه‌گیری درجه ثبات تعاملات زناشویی توسط گاتمن در سال ۱۹۹۹ تهیه شده و ۲۰ سؤال دارد که آزمودنی‌ها پاسخ آن را به‌صورت بلی-خیر مشخص می‌کنند. نمره‌گذاری این آزمون به‌صورت ۱ و ۰ است که به ترتیب برای پاسخ‌های بلی و خیر در نظر گرفته شده است. گاتمن روایی و اعتبار این ابزار را بررسی و تایید کرده است. در ایران نیز، میزان پایایی این پرسشنامه به شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) در پژوهش اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹) ۰.۸۷ دست آمد. روایی صوری و محتوایی این آزمون را با استفاده از نظرات اساتید رشته مشاوره، مطلوب گزارش نمود. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار در پژوهش حاضر به میزان ۰/۸۱۹ بدست آمد.

شیوه اجرا. به منظور اجرای پژوهش پس از اخذ مجوزهای لازم جهت انجام پژوهش از دانشگاه، طی یک جلسه‌ای با زوجین هدف، خلاصه پژوهش شرح داده شد و به آن‌ها اطمینان داده شد که از اطلاعات جمع‌آوری شده صرفاً به منظور انجام پژوهش استفاده و محرمانگی حفظ می‌گردد؛ سپس پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، مقیاس صمیمیت زناشویی (۱۹۸۳)، پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۶) و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹) بین افراد توزیع شده و از آن‌ها استفاده گردید. پس از پاسخ‌دهی نیز ضمن تشکر از شرکت‌کنندگان، نسخه‌های توزیع شده‌ای که به صورت کامل پاسخ‌دهی شده بود، به منظور تحلیل وارد نرم‌افزار SPSS (نرم‌افزار تحلیل داده) گردید.

یافته‌ها

با توجه به گسترده بودن عوامل دخیل در ثبات زناشویی، مطابق با الگوی ترسیم شده در شکل (۱)؛ براساس فراوانی‌های مشاهده شده در پژوهش‌های پیشین، الگوی تعدیل شده در شکل (۲) به منظور آزمون، ترسیم گردید.

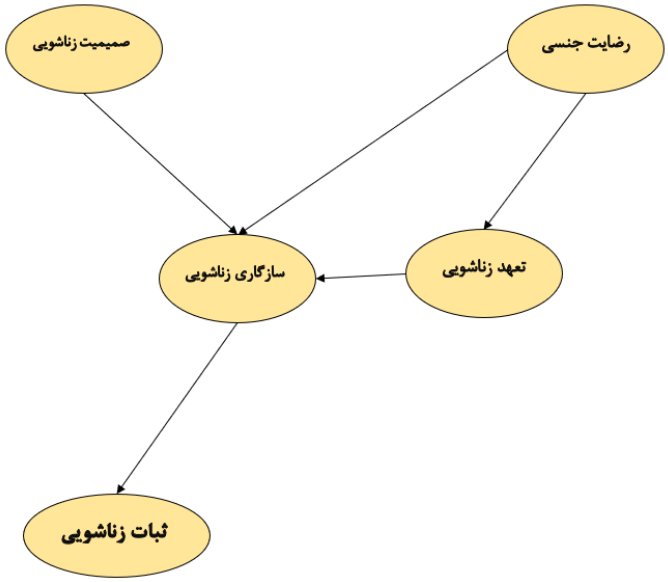


شکل ۱: الگوی تعدیل شده اولیه

براساس الگوی ترسیم شده در شکل (۱)، می‌توان گفت رضایت زناشویی، سازگاری زناشویی و تعهد زناشویی نقش میانجی را در اثرگذاری رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی بر ثبات زناشویی را دارند. بنابراین در ادامه به دنبال بررسی نقش میانجی تعهد زناشویی، رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی در رابطه رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با ثبات زناشویی اقدام به استفاده از

1. Gottman Marital Stability Questionnaire

مدلسازی معادلات ساختاری شد. لازم به ذکر است که با توجه به اینکه از نظر عملیاتی رضایت زناشویی در بطن خرده‌مقیاس‌های سازگاری زناشویی (خرده‌مقیاس رضایت زناشویی) بوده است؛ از این رو از الگو حذف و الگوی تعدیل شده اصلاح شده در شکل (۲) ترسیم گردید. همچنین نرخ بازگشت ۹۷/۳۲ درصد بوده است.



شکل ۲: الگوی تعدیل شده اصلاح شده

پیش از تحلیل داده‌ها اقدام به محاسبه شاخص ماهالانوبیس با استفاده از نرم‌افزار SPSS گردید؛ کمترین مقدار این شاخص برای متغیرهای پژوهش ۱/۸۶ با سطح معناداری ۰/۶۰ (p>۰/۰۵) و بیشترین مقدار ۱۱۴/۱۵ با سطح معناداری ۰/۰۱ (p<۰/۰۵) بود. با توجه به اینکه برای داده‌های پرت، مقدار این شاخص در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ قرار می‌گیرد، از این رو تعداد ۱۲ داده از جنسیت مرد و ۳۵ داده از جنسیت زن که سطح معناداری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ بود، به عنوان داده پرت شناسایی شده و از فرآیند تحلیل خارج شدند و پس از آن کمترین مقدار این شاخص برای متغیرهای پژوهش ۱/۸۶ با سطح معناداری ۰/۶۰ (p>۰/۰۵) و بیشترین مقدار ۱۱/۶۹ با سطح معناداری ۰/۰۵۱ (p>۰/۰۵) بود. از این رو تحلیل‌های توصیفی و استنباطی گزارش شده بر روی داده‌های باقی‌مانده (۲۱۲ مرد و ۱۸۹ زن) انجام گردید.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر/شاخص	خرده‌مقیاس	میانگین(انحراف معیار)		کجی		کشیدگی		کمینه		بیشینه	
		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
سازگاری زناشویی	ابراز محبت	۱۳/۹۸ (۳/۰۱)	۱۱/۱۳ (۴/۵۷)	-۰/۲۱	۰/۶۸	-۱/۱۱	-۰/۵۹	۹	۵	۱۸	۱۹
	توافق دو نفری	۲۷/۵۲ (۱۳/۹۹)	۵۰/۳۸ (۱۳/۳۹)	۱/۵۰	-۰/۹۸	۱/۰۳	-۱/۰۴	۱۵	۲۹	۶۱	۵۹
	همبستگی دو نفری	۱۵/۸۳ (۳/۴۹)	۲۰/۵۵ (۱/۸۶)	۰/۸۸	۱/۱۲	-۰/۴۰	-۰/۱۲	۱۲	۱۶	۲۳	۲۴
	رضایت زناشویی	۲۳/۵۲ (۱۰/۹۳)	۳۹/۱۱ (۹/۴۶)	۱/۳۴	-۰/۹۸	-۰/۱۱	-۱/۰۴	۱۷	۲۴	۴۶	۴۵
	کل مقیاس	۸۰/۸۵ (۳۰/۰۲)	۱۲۱/۱۶ (۲۵/۱۳)	۱/۳۹	-۰/۸۲	۰/۳۲	-۱/۰۹	۶۱	۸۱	۱۴۸	۱۴۶
صمیمیت زناشویی	-	۲/۶۹ (۱/۲۹)	۴/۹۷ (۱/۹۸)	۰/۹۴	-۰/۹۶	-۰/۶۱	-۱/۰۵	۱/۴۱	۱/۸۲	۴/۹۴	۶/۵۳

رضایت جنسی	–	۱۱/۰۰ (۲/۴۲)	۱۱/۰۴ (۳/۱۵)	۰/۶۴	-۰/۹۸	-۰/۸۵	-۱/۰۴	۸	۶	۱۵	۱۳
تعهد زناشویی	تعهد به همسر	۲۷/۹۵ (۸/۹۵)	۲۵/۹۵ (۷/۳۰)	-۰/۳۶	-۰/۶۶	-۱/۶۵	-۱/۲۰	۱۵	۱۵	۳۸	۳۴
	تعهد به ازدواج	۲۵/۲۵ (۷/۳۳)	۳۰/۱۳ (۱۰/۱۲)	۰/۲۲	-۰/۹۷	-۰/۱۰	-۱/۰۵	۱۵	۱۴	۴۰	۳۷
	احساس تعهد	۴۸/۷۸ (۱۷/۹۳)	۶۳/۴۳ (۲۴/۳۸)	۱/۰۴	-۰/۷۵	-۰/۳۰	-۱/۱۴	۳۱	۲۶	۸۵	۸۹
	کل مقیاس	۱۰۱/۹۷ (۳۱/۴۶)	۱۱۹/۵۱ (۴۱/۱۴)	۰/۵۵	-۰/۸۶	-۰/۵۸	-۱/۱۰	۶۴	۵۵	۱۶۳	۱۵۸
ثبات زناشویی	–	۱۴/۶۷ (۱/۷۷)	۱۰/۹۳ (۳/۱۳)	-۰/۳۸	۰/۳۴	-۰/۹۷	-۰/۸۳	۱۲	۷	۱۷	۱۶

پیش از ورود به بخش استنباطی، اقدام به بررسی وضعیت توزیع داده‌ها شد. نظر به اینکه یکی از روش‌های بررسی توزیع داده‌ها برآورد کجی و کشیدگی می‌باشد، از این‌رو مطابق جدول (۱) به این دو شاخص توجه شد و طبق این جدول، همه متغیرها (هم نمره کل و هم در سطح خرده‌مقیاس) دارای کجی و کشیدگی در محدوده ۲+ تا ۲- بوده‌اند که نشان از نرمال بودن توزیع داده‌هاست. بنابراین می‌توان گفت توزیع داده‌ها نرمال است و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک در بخش استنباطی برای این متغیرها میسر است اما پیش از انجام آزمون پارامتریک، مفروضه‌های آن بررسی گردید و دستاورد آن حاکی از آن بود که همه مفروضه‌های همبستگی پیرسون (فاصله‌ای بودن مقیاس متغیرها، خطی بودن رابطه بین متغیرها، یکسان بودن واریانس‌ها) برقرار بوده است.

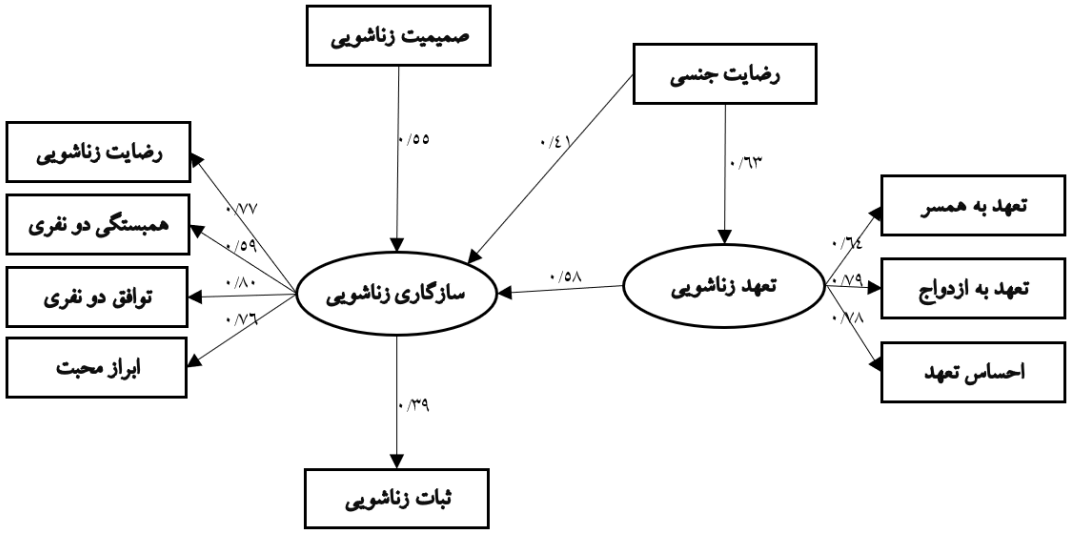
جدول ۲: ماتریس همبستگی

برای جنسیت مرد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
ابراز محبت	۱											
توافق دو نفری	۰/۷۰۸**	۱										
همبستگی دو نفری	۰/۶۸۰**	۰/۷۵۸**	۱									
رضایت زناشویی	۰/۷۲۲**	۰/۷۲۷**	۰/۶۷۳**	۱								
کل مقیاس سازگاری	۰/۷۷۲**	۰/۶۸۶**	۰/۷۴۹**	۰/۶۷۰**	۱							
صمیمیت زناشویی	۰/۷۴۱**	۰/۷۰۷**	۰/۶۳۹**	۰/۵۲۴**	۰/۲۵۸**	۱						
رضایت جنسی	۰/۶۲۸**	۰/۷۰۶**	۰/۶۶۳**	۰/۵۶۳**	۰/۱۹۹**	۰/۵۹۶**	۱					
تعهد به همسر	۰/۴۴۳**	۰/۷۰۹**	۰/۷۴۵**	۰/۵۵۸**	۰/۶۷۶**	۰/۶۰۲**	۰/۴۹۳**	۱				
تعهد به ازدواج	۰/۶۰۱**	۰/۴۱۷**	۰/۵۵۶**	۰/۵۰۵**	۰/۵۰۳**	۰/۷۴۶**	۰/۶۶۲**	۰/۶۸۳**	۱			
احساس تعهد	۰/۷۶۷**	۰/۷۳۶**	۰/۶۶۹**	۰/۶۱۵**	۰/۶۰۱**	۰/۴۸۳**	۰/۵۱۲**	۰/۷۲۳**	۰/۶۰۷**	۱		
کل مقیاس تعهد	۰/۷۰۴**	۰/۷۷۶**	۰/۵۶۵**	۰/۷۹۸**	۰/۵۱۴**	۰/۵۹۳**	۰/۴۷۹**	۰/۵۵۶**	۰/۶۸۸**	۰/۷۶۴**	۱	
ثبات زناشویی	۰/۷۰۷**	۰/۶۹۹**	۰/۷۷۵**	۰/۶۹۰**	۰/۴۰۲**	۰/۵۹۸**	۰/۶۲۳**	۰/۷۷۷**	۰/۷۸۷**	۰/۶۸۳**	۰/۶۶۹**	۱
برای جنسیت زن	**۱**	**۲**	**۳**	**۴**	**۵**	**۶**	**۷**	**۸**	**۹**	**۱۰**	**۱۱**	**۱۲**
ابراز محبت	۱											
توافق دو نفری	–	۱										
همبستگی دو نفری	۰/۸۲۴**	۰/۴۹۴**	۱									
رضایت زناشویی	۰/۱۵۲*	۰/۸۱۰**	۰/۵۱۹**	۱								
کل مقیاس سازگاری	۰/۳۶۷**	۰/۶۶۸**	۰/۶۸۳**	۰/۶۷۵**	۱							
صمیمیت زناشویی	۰/۲۳۴**	۰/۹۹۳**	۰/۵۹۴**	۰/۵۹۶**	۰/۸۲۱**	۱						
رضایت جنسی	۰/۱۵۲*	۰/۴۹۰**	۰/۵۱۹**	۰/۵۷۰**	۰/۸۱۰**	۰/۵۹۶**	۱					
تعهد به همسر	۰/۴۰۰**	۰/۶۲۵**	۰/۷۲۴**	۰/۵۳۴**	۰/۴۷۱**	۰/۴۵۶**	۰/۷۳۴**	۱				

تعهد به ازدواج	–	۰/۵۹۹**	۰/۴۵۳**	۰/۵۹۷**	۰/۴۵۶**	۰/۴۸۶**	۰/۵۹۷**	۰/۵۰۹**	۱			
احساس تعهد	۰/۳۶۵**	۰/۶۵۳**	۰/۷۰۶**	۰/۶۶۱**	۰/۵۸۸**	۰/۴۸۰**	۰/۵۶۱**	۰/۵۶۸**	۰/۵۳۹**	۱		
کل مقیاس تعهد	۰/۳۰۸**	۰/۵۷۵**	۰/۶۵۹**	۰/۵۸۰**	۰/۶۵۱**	۰/۵۹۳**	۰/۷۴۸**	۰/۶۷۵**	۰/۵۶۴**	۰/۵۹۵**	۱	
ثبات زناشویی	۰/۶۷۲**	۰/۷۶۸**	۰/۶۲۷**	۰/۷۸۶**	۰/۶۲۹**	۰/۵۹۸**	۰/۶۷۵**	۰/۷۱۱**	۰/۷۳۶**	۰/۶۰۸**	۰/۶۵۶**	۱

** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. * در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

در جدول (۲) ماتریس همبستگی بین متغیرها ارائه شده است. همانگونه که در جدول مشهود است در برخی موارد همبستگی در سطح ۹۹ درصد اطمینان و خطای کمتر از ۱ درصد($p<۰/۰۱$) و در برخی موارد همبستگی در سطح ۹۵ درصد اطمینان و خطای کمتر از ۵ درصد ($p<۰/۰۵$) بوده است. در برخی موارد نیز در هیچ یک از سطوح همبستگی نشان داده نشده است($p>۰/۰۵$). با این حال برای پاسخگویی به سوالات که نیازمند مدلسازی معادلات ساختاری بود به دلیل اینکه در مدلسازی معادلات ساختاری با وزن‌های رگرسیونی روبرو می‌شویم با احتمال اینکه وجود وزن‌های رگرسیونی باعث معنادار شدن روابط می‌شود، همه متغیرها را وارد مدل نمودیم.



شکل ۳: مدلسازی معادلات ساختاری

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل

نوع شاخص	شاخص‌ها	مقدار به‌دست آمده	مقدار قابل قبول
مطلق	کای اسکوئر هنجار شده(CMIN)	۹۸۶/۰۴۳	–
	p	۰/۰۰۱	–
	ریشه‌ی میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۷۹	کمتر از ۰/۰۸
	ریشه دوم تفاوت بین پسماندهای ماتریس کواریانس نمونه استانداردشده (SRMR)	۰/۰۶۴۵	کمتر از ۰/۱۰
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۲۱	حداقل ۰/۹۰
افزاینده (نسبی)	شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۵۴	حداقل ۰/۹۰
	شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۳۵	حداقل ۰/۹۰
	شاخص برازش نرم شده (NFI)	۰/۹۰۳	حداقل ۰/۹۰
	شاخص برازش نرم نشده (NNFI)	۰/۹۲۷	حداقل ۰/۹۰
صرفه‌جو(مقتصد)	کای اسکوئر نسبی (CMIN/DF)	۲/۷۶	کمتر از ۳

براساس جدول (۳) شاخص‌های برازندگی مقادیر مطلوبی را نشان داده‌اند. در صورتی که حداقل ۳ شاخص برازش در محدوده قابل

قبول قرار گیرد و از سویی دیگر سه شاخصِ مهمِ کای اسکوئر نسبی (x^2/df)، ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)[1] و ریشه دوم تفاوت بین پسماندهای ماتریس کواریانس نمونه استانداردشده (SRMR)[2] در محدوده معیار قرار گیرند، برازش مدل قابل تایید می‌باشد. از این رو الگوی ارائه شده، مورد تایید واقع می‌شود.

جدول ٤: اندازه اثر غیرمستقیم در مدل

مسیر	اندازه اثر	خطای استاندارد	سطع معناداری	وضعیت
صمیمیت زناشویی ← سازگاری زناشویی← ثبات زناشویی ۰/۲۲ = ۰/۳۹ × ۰/۵۵	۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۰۰۱	تایید مسیر
رضایت جنسی ← سازگاری زناشویی← ثبات زناشویی ۰/۱۶ = ۰/۳۹ × ۰/۴۱	۰/۱۶	۰/۰۵	۰/۰۴۳	تایید مسیر
تعهد زناشویی ←سازگاری زناشویی← ثبات زناشویی ۰/۲۳ = ۰/۳۹ × ۰/۵۸	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۰۰۷	تایید مسیر
رضایت جنسی ← تعهد زناشویی ←سازگاری زناشویی← ثبات زناشویی ۰/۱۴ = ۰/۳۹ × ۰/۵۸ × ۰/۶۳	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۰۴۶	تایید مسیر

مطابق آنچه در جدول (۴) مشاهده می‌شود براساس وزن‌های رگرسیونی استاندارد شده، صمیمیت زناشویی، سازگاری زناشویی، رضایت جنسی و تعهد زناشویی از نظر آماری دارای اثر معناداری بر ثبات زناشویی بوده‌اند ($p<۰/۰۵$). علاوه بر این ضریب استاندارد (ضریب مسیر) به دست آمده حاکی از آن است که تعهد و صمیمیت زناشویی به ترتیب بیشترین اثر را در مسیر داشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت که الگوی ارائه شده دارای برازش قابل قبول بوده و تعهد و سازگاری زناشویی در رابطه رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با ثبات زناشویی نقش میانجی داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش رضایت جنسی، صمیمیت، تعهد و سازگاری زناشویی در ثبات زناشویی با تاکید بر زوجین دارای فرزند به انجام رسید. جامعه آماری کلیه زوجین دارای فرزند در سال ۱۴۰۲ شهر شیراز بوده است. به منظور تدوین الگو ابتدا مبانی نظری مطالعه و سپس براساس آن الگوی اولیه ترسیم گردید اما با توجه به پیچیدگی‌های ارتباطی، تصمیم بر آن شد تا الگو براساس پرتکرارترین متغیرها تعدیل یابد. سپس به منظور آزمون الگو از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده گردید و مطابق یافته‌ها، سازگاری زناشویی با پوشش رضایت زناشویی، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت؛ صمیمیت زناشویی، رضایت جنسی و تعهد زناشویی با پوشش تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و احساس تعهد بر ثبات زناشویی اثرگذارند. منطبق با یافته‌ها، شاخص‌های برازندگی مقادیر مطلوبی را نشان داده‌اند که دال بر تایید برازش الگوی تدوین شده، بود. منطبق با ضرایب بدست آمده در الگوی ترسیم شده، اثرگذاری عوامل ذکر شده با توجه به علامت ضرایب بدست آمده، مثبت بوده، یعنی این عوامل افزایش دهنده ثبات زناشویی هستند. در تبیین این یافته می‌توان گفت منطبق با دستاورد پژوهش فردوست و محمدی (۲۰۲۰) صمیمیت عاطفی ارتباطی، روانشناختی عقلانی و جنسی بدنی با ثبات ازدواج به لحاظ آماری رابطه معناداری دارند به گونه‌ای که منطبق با پژوهش جولایی‌زادگان و جلوانی (۲۰۲۰) کاهش صمیمیت می‌توانند واریانس بی‌ثباتی ازدواج را به صورت معناداری پیش‌بینی کنند یعنی کاهش صمیمیت سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر بی‌ثباتی ازدواج دارد. علاوه بر این نظر به اینکه منطبق با پژوهش رضایی فر و همکاران (۲۰۱۹)، ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با میانجی‌گری سبک‌های حل مسأله بر ثبات رابطهٔ زناشویی اثری

1 - Root Mean Square Error of Approximation
2 - Standardized Root Mean Square Residual

غیرمستقیم دارد؛ بنابراین ضرورت دارد که مولفه‌های ذکر شده مورد توجه قرار گیرند. همچنین منطبق با پژوهش سلیمی و همکاران (۲۰۱۹) مجموعه‌ای از عوامل که شامل درون‌فردی (ویژگی‌های شخصیتی، سلامت جسمی و روانی، ویژگی‌های شناختی مثبت و ویژگی‌ها و اشتراکات معنوی- مذهبی)، بین‌فردی (مهارت‌های ارتباطی و رابطه سازنده، عشق و عاطفه و همچنین ارتباط و رابطه جنسی) و محیطی (حمایت اجتماعی، اشتغال و وضعیت اقتصادی مناسب) هستند در ثبات و رضایت رابطه زناشویی نقش دارند. عوامل ذکر شده در بافت تعهد، صمییمت و سازگاری زناشویی و نیز رضایت جنسی پنهان هستند (مواردی که در پژوهش حاضر در قالب الگوی شبکه‌ای تایید شدند).

عباسی اصل و نظری (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود گزارش کردند که رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با بی‌ثباتی ازدواج به صورت معنی‌داری رابطه داشته و می‌توانند بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی کنند. از سویی دیگر دستاورد پژوهش تاجی و همکاران (۲۰۱۵) حاکی از وجود رابطه بین سازگاری زناشویی و عدم ثبات بود. به گونه‌ای که سازگاری زناشویی توانایی پیش‌بینی عدم ثبات را داشت. رضایی و همکاران (۲۰۱۳) نیز رابطه بین صمیمیت با بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان را به صورت رابطه‌ای منفی و معنادار گزارش کردند به این معنا که در صورت کاهش صمیمیت زناشویی، بی‌ثباتی ازدواج افزایش می‌یابد و این یعنی صمیمیت نقش مثبتی در ثبات زناشویی دارد (منطبق با یافته پژوهش حاضر). از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به مواردی همچون عدم امکان تعمیم یافته‌ها به زوجین در آستانه جدایی به دلیل اینکه در نمونه مورد بررسی این مقوله کنترل نگردید؛ طولانی شدن زمان پژوهش به دلیل تاخیر در گردآوری داده‌ها در بخش میدانی؛ عدم امکان بررسی نقش مداخله‌ای مدت زمان ازدواج و شیوه آشنایی اولیه زوجین به دلیل عدم گزارش اطلاعات این حیطه توسط شرکت‌کنندگان. در راستای محدودیت‌های ذکر شده و منطبق با یافته‌های به دست آمده؛ با توجه به اینکه مهم‌ترین پیامد ثبات زناشویی کارکرد مطلوب خانواده و به دنبال آن بهبود فرزندپروری و تربیت نسل آینده است؛ از این رو به متخصصان حوزه روانشناسی و مشاوره خانواده و ازدواج و نیز دست‌اندرکان و مسئولین این حوزه پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های اثربخشی خود در سطح خرد خانواده و در سطح کلان جامعه را مدنظر قرار داده و راهکارهای درمانی را منطبق با این دو حیطه تنظیم نماید؛ به امیدی که اثربخشی مداخلات دوچندان گردد.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش دارای کد اخلاق به شماره IR.IAU.M.REC.1402.164 بوده است. همچنین اصل محرمانگی اطلاعات رعایت و تمامی شرکت کنندگان با رضایت در پژوهش مشارکت و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند.

حامی مالی

مقاله حاضر فاقد حامی مالی بوده و هزینه‌های آن توسط نویسنده اول که دانشجوی دکترای رشته روانشناسی می‌باشد تامین گردید.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان سهم یکسانی در نگارش مقاله داشته‌اند.

تضاد منافع

مقاله حاضر با اصول نشریه تضاد منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش همکاری و مساعدت کردند، قدردانی و تشکر می‌شود.

References

Azarmekan, Z., Mokarami, A. and Rafiei, F. (2021). Divorce status and some factors affecting it in divorced people. *Master's Thesis of Private Law*, Razavieh Institute of Higher Education, Department of Law. [Persian]

Cohen, O., Geron, Y., & Farchi, A. (2010). A typology of marital quality of enduring marriages in Israel. *J Fam Issues*; 7(31), 727-747

Farajpour, S., Mohammadi, K. and Javadan, M. (2019). Investigating the relationship between marital empathy and marital stability with the mediation of emotional expression in married employees of Bandar Abbas. *Master's thesis in general psychology*, Hormozgan University, Faculty of Humanities. [Persian]

Gholam Zadeh, H. and Yousefi, N. (2020). The relationship between personality traits, sexual satisfaction and mindfulness with marital satisfaction: the mediating role of differentiation. *Master's thesis on family counseling*, University of Kurdistan, Faculty of Humanities and Social Sciences. [Persian]

Hendrix, H. and Hunt, H. (2018). *Reach your desired love*. Translated by Shahrabi. Tehran: New generation of thought. [Persian]

Hijazi, M. and Judi, M. (2021). Comparison of marital satisfaction and sexual performance in early and timely marriages of Mashhad women. *Master's thesis on family counseling*, Shandiz Institute of Higher Education, Department of Psychology. [Persian]

Hughes, D. D. (2020). *Resiliency, Strength, and Purposefulness: Storied-Narratives from Alaska Native Elders*. Washington State University.

Johnson, S. M. (2018). *Attachment Theory: A Guide for Couple Therapy*. In S. M. Johnson & V. E. Whiffen (Eds.), Attachment processes in couple and family therapy. 103-123.

Julai Zadegan, Z. and Jelwani, R. (2020). Prediction of marriage instability based on the damage caused by cyberspace and self-differentiation in couples referring to counseling centers in Isfahan city. *Master's thesis in family counseling*, Shahid Ashrafi University of Esfahani, Faculty of Law and Theology. [Persian]

Koraei, A., Mehr, R.K., Sodani, M., & Aslani, K. (2016). Identification of the factors contributing to satisfying stable marriages in women. *J Fam Couns Psychother*, 5(6), 129-164 [Persian].

Landis, M., Peter-Wight, M., Martin, M., & Bodenmann, G. (2013). Dyadic coping and marital satisfaction of older spouses in long-term marriage. *GeroPsych (Bern)*; 5(26), 39-47.

Meskinnia, A., Danesh, P. and Zahedi Mazandarani, M. (2019). Investigating emotional divorce and the factors affecting it among the families of Shush Daniyal (AS). *Sociology Master's Thesis*, Payam Noor University, Tehran Province, Payam Noor Center, West Tehran. [Persian]

Mirzai, S. and Barati, H. (2019). Investigating the relationship between dark personality traits (Machiavelli, narcissism, antisocial) and marriage stability with regard to the mediating role of marital intimacy in couples. *Master's Thesis of General Psychology*, Sepahan Institute of Higher Education of Science and Technology, Faculty of Humanities. [Persian]

Mullins, D. (2016). The effects of religion on enduring marriages. Soc Sci; 14(5), 24.

Phillips, T.M., Wilmoth, J.D., & Marks, L.D. (2012). Challenges and conflicts... strengths and supports: a study of enduring African American marriages. *J Black Stud*; 6 (43), 936-952

Pourahmad Fashalami, M. and Rasulzadeh, b. (2021). Investigating the relationship between metacognitive belief and cognitive fusion with the quality of life of couples (case study: married students of Payam Noor University, Rasht Center). *Master's Thesis of General Psychology*, Payam Noor University, Gilan Province, Payam Noor Center, Astara. [Persian]

Rakhsha, M. and Elahi, A. (2019). Simulating the phenomenon of divorce and analyzing the effective factors in increasing the risk of divorce with the help of factor-based modeling. *Master's thesis in software engineering*, Behshahr Branch, Islamic Azad University, Computer and Electrical Department. [Persian]

Rastgar Rahim Zadeh, A., Tamnai Far, M. and Yazdani Varzaneh, M. (2019). The relationship between primary maladaptive schemas and personality traits with marital satisfaction: the moderating role

of gender. *Master's thesis in general psychology*, Allameh Faiz Kashani Institute of Higher Education, Faculty of Humanities. [Persian]

Razzaghi, M., Alizadeh Fard, S. and Ali Bakshi, Z. (2020). Marital satisfaction prediction model based on anxiety, depression, moral foundations and marital commitment. *Master's thesis in clinical psychology*, Payam Noor University, Tehran Province, South Tehran Payam Noor Center. [Persian]

Rezaei Far, A., Sepah Mansour, M., Koch Attiz, R. and Koshki, Sh. (2019). Developing a model of marital relationship stability based on personality traits and perceived stress with the mediation of problem solving styles. *Social Cognition*, 8(1), 106-83. [Persian]

Rezaei, Z., Bustanipour, A. and Habibian, F. (2013). Investigating the role of trust and intimacy in predicting marital instability in married men and women. *Counseling Research*, 12(47), 69-82. [Persian]

Salari, A., Zarei, A. and Javadan, M. (2020). Compilation and testing of the marital conflict resolution model based on personality characteristics, attachment styles with the mediation of self-differentiation and self-esteem in couples with a marriage history of less than 5 years in Rodan city. *Master's thesis on family counseling*, Hormozgan University, Faculty of Humanities. [Persian]

Salimi, H., Javadan, M., Zarei, A. and Najar Pourian, S. (2019). Marital relationship health in the light of influencing factors on relationship stability and satisfaction: a review study. *Education and Community Health*, 6(3), 192-183. [Persian]

Siahi, Kh., Rashidpour, A. and Maktabi, G. (2021). Investigating the relationship between emotional skills and emotional security with the quality of married life of teachers in the 4th district of Ahvaz. *Master's Thesis in Islamic Psychology*, Payam Noor University, Khuzestan Province, Ahvaz Payam Noor Center. [Persian]

Taji, M., Ghasemi Pir Baluti, M. and Sharifi, T. (2015). Prediction of marital instability and the possibility of divorce based on compatibility and marital agreement of married people of Shahrekord University. *The second international conference on new researches in management*, economics and humanities. [Persian]

Timothy-Springer, R., & Johnson, E.J. (2016). Qualitative study on the experiences of married couples. *J Hum Behav Soc Environ*; 4(28), 889-902

Valipour Pasha Kolai, B. and Mahmoud Janlu, M. (2021). Comparison of tendency towards extramarital relationships, marital boredom and lack of trust in men and women with a history of premarital relationships. *Master's thesis in general psychology*, Rozbahan Institute of Higher Education, Faculty of Humanities. [Persian]

Zahmatkesh Ardeh, N., Naimi Jourshari, A. and Hosseini Nisar, M. (2020). Analysis of social factors affecting emotional divorce (case study of Talash city). *Master thesis of social science research*, Koshiar Institute of Higher Education, Department of Social Sciences. [Persian]

Zare Aliabadi, F. and Namani, A. (2020). Investigating the relationship between family structure (adaptability and solidarity) and psychological well-being, the moderating role: interpersonal trust in couples with marital dissatisfaction. *Family Counseling Master's Thesis*, Beyhaq Institute of Higher Education. [Persian]